



دعای ندبه

در فصل دهم از باب زیارات، دو مقام است: مقام دوم؛ زیارت های امام زمان علیه السلام را بیان می کنیم: دعای ندبه است که مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند و آن دعا این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

ستایش و سپاس مخصوص خداست که آفریننده جهان است و درود و تحیت کامل بر سید ما و پیغمبر خدا حضرت محمد مصطفی و آل اطهارش باد

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ

پروردگارا تو را ستایش می کنم برای هر چه در قضا و قدر تقدیر کردی بر خاصان و محبانت یعنی بر آنان که وجودشان را برای حضرتت خالص و برای دینت مخصوص گردانیدی

إِذَا خَرَّتْ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا أَضْمِحْلَالَ

چون بزرگ نعیم باقی و بی زوال ابدی را که نزد توست بر آنان اختیار کردی



بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنْيَةِ وَزُخْرُفَهَا وَزِيْرَجَهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ

بعد از آنکه زهد در مقامات و لذات و زیب و زیور دنیای دون را بر آنها شرط فرمودی آنها هم بر این شرط متعهد شدند

وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالشَّانَاءَ الْجَلِيَّ

و تو هم می دانستی که به عهد خود وفا خواهند کرد پس آنان را مقبول و مقرب درگاه خود فرمودی و علو ذکر یعنی قرآن با بلندی نام و ثنای خاص و عام بر آنها از پیش عطا کردی

وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ (الذَّرَائِعَ) إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ

و آنها را واسطه (هدایت خلق به توحید و معرفت) و وسیله دخول بهشت رضوان و رحمت خود گردانیدی

فَبَعْضُ أَسْكَنتَهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا

پس بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی تا هنگامی که او را از بهشت بیرون کردی



وَبَعْضُ حَمَلْتُهُ فِي فُلْكَ وَنَجَّيْتَهُ وَ (مَعَ) مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَاكَةِ بِرَحْمَتِكَ

و برخی را در کشتی نشاندی و با هر کس ایمان آورده و در کشتی با او درآمده بود همه را از هلاکت به رحمت خود نجات دادی

وَبَعْضُ اخْتَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً وَ سَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ

و بعضی را به مقام خلت خود برگزیدی و درخواستش را که وی لسان صدق در امم آخر باشد اجابت کردی

وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِيمًا وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً أَوْ وَزِيرًا

و به مقام بلند رسانیدی و بعضی را از شجره طور با وی تکلم کردی و برادرش را وزیر و معین وی گردانیدی

وَبَعْضُ أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَ آتَيْتَهُ الْبَيْنَاتِ وَأَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

و بعضی را به غیر پدر تنها از مادر ایجاد کردی و به او معجزات عطا فرمودی و او را به روح قدس الهی مؤید داشتی

وَ كُلُّ (وَ كَلًّا) شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَ نَجَّيْتَ لَهُ مِنْهَا جَا وَ تَحَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ (أَوْ صِيَاءَهُ)

و همه آن پیمبران را شریعت و طریقه و آیینی عطا کردی و برای آنان وصی و جانشینی



مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ (مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ) مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ

برای آنکه یکی بعد از دیگری از مدتی تا مدت معین مستحفظ دین و نگهبان آیین و شریعت و حجت بر بندگان تو باشد قرار دادی

وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ

تا آنکه دین حق از قرارگاه خود خارج نشده و اهل باطل غلبه نکنند

وَلَا (لَيْلًا) يَقُولُ أَحَدٌ لَوْ لَا أُرْسِلَتْ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَأَقَمْتُمْ لَنَا عُلَمَاءًا هَادِيًا

و تا کسی نتواند گفت که ای خدا چرا رسول بسوی ما نفرستادی که ما را از جانب تو به نصیحت ارشاد کند و چرا پیشوا نگماشتی

فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُحْزَى

که ما از آیات و رسولانت پیروی کنیم پیش از آنکه به گمراهی و ذلت و خذلان در افتیم

إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

لذا در هر دوری رسول فرستادی تا آنکه امر رسالت به حبیب گرامیت محمد صلی الله علیه و آله منتهی گردید



فَكَانَ كَمَا أَنْجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ

و او چنانکه تواس برسات برگزیدی سید و بزرگ خلاق بود و خاصه پیمبرانی که برسات انتخاب فرمودی و افضل از هر کس که برگزیده توست و گرامیتر از تمام رسی که معتمد تو بودند

قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ

بدین جهت او را بر همه رسولانت مقدم داشتی و بر تمام بندگان از جن و انس مبعوث گردانیدی و شرق و غرب عالمت را زیر قدم فرمان رسالتش گستردی

وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ (بِهِ) إِلَى سَمَائِكَ وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى

انْقِضَاءِ خَلْقِكَ

و براق را مسخر او فرمودی و روح پاک وی را بسوی آسمان خود بمعراج بردی و علم گذشته و آینده تا انقضاء خلقت را به او به ودیعت سپردی

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالسُّومِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

و آنگاه او را بواسطه رعب و ترس دشمن از او بر دشمنان مظفر و منصور گردانیدی و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان با اسم و رسم و مقام را گرداگردش فرستادی



و وَعَدْتُهُ أَنْ تُطَهِّرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأً صِدْقٍ مِنْ
أَهْلِهِ

و به او فیروزی دینش را بر تمام ادیان عالم برغم مشرکان وعده فرمودی و این ظفر پس از آن بود که رسول
اکرم (ص) را باز تو او را با فتح و ظفر به خانه کعبه مکان صدق اهل بیت باز گردانیدی

وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَيْكَةِ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ

و برای او و اهل بیتش آن خانه مکه را اول بیت و نخستین خانه برای عبادت بندگان مقرر فرمودی و وسیله
هدایت عالمیان گردانیدی

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا

که آن خانه آیات و نشانهای آشکار ایمان و مقام ابراهیم خلیل بود و محل امن و امان بر هر کس که در آن
داخل می‌شد

وَقُلْتُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و درباره خاندان رسول فرمودی البته خدا از شما اهل بیت رسول هر رجس و ناپاکی را دور می‌سازد و کاملاً پاک
و مبرا می‌گرداند



ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّةً تَهْمُ فِي كِتَابِكَ

آنگاه تو ای پروردگار در قرآنت اجر و مزد رسالت پیغمبرت صلی الله علیه و آله را محبت و دوستی امت نسبت به اهل بیت قرار دادی

فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُمْكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ

آنجا که فرمودی بگو ای رسول ما که من از شما امت اجر رسالتی جز محبت اقارب و خویشاوندانم نمی خواهم و باز فرمودی همان اجر رسالتی را که خواستم باز بنفع شما خواستم

وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

و باز فرمودی بگو ای رسول ما من از شما امت اجر رسالتی نمی خواهم جز آنکه شما راه خدا را پیش گیرید

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ

پس اهل بیت رسول طریق و رهبر بسوی تواند و راه بهشت رضوان تواند



فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا

و هنگامی که دوران عمر پیغمبرت سپری گشت وصی و جانشین خود علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما و
آلهما را بهدایت امت برگماشت

إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَفَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ

و چون او منذر و برای هر قوم هادی امت بود پس رسول اکرم (ص) در حالی که امت همه در پیش بودند فرمود
هر کس که من پیشوا و دوست و ولی او بودم پس از من علی مولای او خواهد بود

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نصرَهُ وَاخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ

بارالها دوست بدار هر که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن بدارد و یاری کن هر که علی را
یاری کند و خوار ساز هر که علی را خوار سازد

وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَفَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ وَقَالَ أَنَا وَعَلِيُّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْ

و باز فرمود هر کس من پیغمبر او هستم علی (ع) امیر و فرماندار اوست و باز فرمود من و علی هر دو شاخه‌های
یک درختیم و سایرین از درختهای مختلفند



وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

و پیغمبر (ص) علی (ع) را نسبت به خود به مقام هارون نسبت به موسی نشانید جز آنکه فرمود پس از من پیغمبری نیست

وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ

و باز رسول اکرم دختر گرامیش که سیده زنان عالم است به علی تزویج فرمود و باز حلال کرد بر علی آنچه بر خود پیغمبر حلال بود و باز تمام درهای منازل اصحاب را که بمسجد رسول باز بود بحکم خدا بست غیر در خانه علی

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبْهَامَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

آنگاه رسول اسرار علم و حکمتش را نزد علی ودیعه گذاشت که فرمود من شهر علمم و علی در آن شهر علم است پس هر که بخواهد در این مدینه علم و حکمت وارد شود از درگاهش باید وارد گردد

ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي لِحُمِّكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمِّكَ مِنْ دَمِي

آنگاه فرمود تو برادر من و وصی من و وارث من هستی گوشت و خون تو گوشت و خون من است



وَسَلِّمْكَ سَلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي وَالْإِيمَانُ مُحَالِطٌ لِحَمِّكَ وَدَمَكَ كَمَا خَالَطَ لِحَمِّي وَدَمِي

صلح و جنگ با تو صلح و جنگ با من است و ایمان (به خدا و حقایق الهیه) چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده که با گوشت و خون من آمیخته‌اند

وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْخَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَتُجْزِعِدَاتِي

و تو فردا جانشین من برحوض کوثر خواهی بود و پس از من تو اداء قرض من می‌کنی و وعده‌هایم را انجام خواهی داد

وَشِيعَتِكَ عَلَى مَنْابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّصَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي

و شیعیان تو در قیامت بر کرسیهای نور با روی سفید در بهشت ابد گرداگرد من قرار گرفته‌اند و آنها در آنجا همسایه منند

وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي

اگر تو یا علی بعد از من میان امتم نبودی اهل ایمان به مقام معرفت نمی‌رسیدند



وَكَانَ بَعْدَ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُورًا مِنَ الْعَمَى وَحَبْلَ اللَّهِ الْمُتَيْنِ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ

و همانا علی بود که بعد از رسول اکرم امت را از ضلالت و گمراهی و کفر و نابینایی به مقام هدایت و بصیرت میرسانید او رشته محکم خدا و راه مستقیم حق برای امت است

لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحِقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ

هیچکس به قرابت با رسول (ص) بر او سبقت نیافته و در اسلام و ایمان بر او سبقت نگرفته و نه کسی به او در مناقب و اوصاف کمال خواهد رسید

يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ

تنها قدم بقدم از پی رسول اکرم علی راه پیمود که درود خدا بر هر دو و بر آل اطهارشان باد و علی است که بر تأویل جنگ میکند و در راه رضای خدا از ملامت و سرزنش بدگویان باک ندارد

قَدْ وَتَرَفِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ وَنَاوَشَ (نَاهَشَ) ذُؤُبَانَهُمْ

و در راه خدا خونهای صناید عرب و گردنکشان عرب را بخاک ریخت و شجعان و پهلوانانشان را به قتل رسانید و سرکشان را مطیع و منقاد کرد



فَأُودِعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادَ ابْدَرِيَّةٍ وَخَيْبَرِيَّةٍ وَحُنَيْنِيَّةٍ وَغَيْرَهُنَّ فَأَصَبَتْ (فَأَصْنَتْ) (فَأَصَنَّ) عَلِيَّ

عَدَاوَتِهِ

و دل‌هایشان را پر از حقد و کینه از واقعه جنگ بدر و حنین و خیبر و غیره ساخت و در اثر آن کینه پنهانی در دشمن او قیام کردند

وَأَكَبَّتْ عَلَيَّ مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ

و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند تا آنکه ناگزیر او هم با عهد شکنان امت و با ظالمان و ستمکاران و با خوارج مرتد از دین در نهروان بقتال برخاست

وَلَمَّا قَضَى نَجْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى (الْأَشْقِيَاءَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ) الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ

و چون نوبت اجلس فرا رسید و شقیترین خلق آخر عالم به پیروی شقیترین خلق اول

لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ

فرمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را امتثال نکردند و درباره هادیان خلق یکی بعد از دیگر



وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحْمِهِ وَإِقْصَاءِ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ

فِيهِمْ

و امت همه کمر بر دشمنی آنها بسته و متفق شدند بر قطع رحم پیغمبر (ص) و دور کردن اولاد طاهرینش جز
قلیلی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد رسول را رعایت کردند

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُيِّ مَنْ سُيِّ وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ

تا آنکه بظلم ستمکاران امت گروهی کشته و جمعی اسیر و فرقه‌ای دور از وطن شدند

وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يَرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ

لِلْمُتَّقِينَ

و قلم قضا بر آنها جاری شد به چیزی که امید از آن حسن ثواب و پاداش نیکو است چون زمین ملک خداست و
هر که از بندگان را بخواهد وارث ملک زمین خواهد کرد عاقبت نیک عالم با اهل تقوی است

وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و پروردگار ما از هر نقص و آرایش پاک و منزّه است و وعده او قطعی و محقق الوقوع است و ابدًا در وعده
پروردگار خلاف نیست و در هر کار در کمال اقتدار و علم و حکمت است



فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبِكِ الْبَاكُونَ

پس باید بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیهما و آلهما گریه کنند

وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلْيُلْهِمِمْ فَلْتُدْرِفِ (فَلْتُدْرِ) الدُّمُوعُ وَلْيُصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَيَضْجُ (يَضْجُ) الصَّاجُونَ وَيَعْجُ (يَعْجُ) الْعَاجُونَ

و بر آن مظلومان عالم ندبه و افغان کنند و برای مثل آن بزرگواران اشک از دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَلِحْ بَعْدَ صَلِحِ وَصَادِقُ بَعْدَ صَادِقِ

که کجاست حسن بن علی کجاست حسین بن علی کجايند فرزندان حسين آن پاکان عالم که هر یک بعد از دیگری رهبر راه خدا و برگزیده از خلق خدا بودند

أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ أَيْنَ الْحَيْرِ بَعْدَ الْحَيْرِ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ

کجا رفتند تابان خورشیدها و فروزان ماهها کجا رفتند درخشان ستارگان



أَيْنَ الْأَجْمُ الزَّاهِرَةُ أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُومِنَ الْعِتْرَةَ الْهَادِيَةَ

کجا رفتند آن رهنمایان دین و ارکان علم و دانش کجاست حضرت بقیة الله که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود

أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجِ

کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردید کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریها را به راستی اصلاح کند

أَيْنَ الْمُتَجَمِّعِ لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ أَيْنَ الْمُدْخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ

کجاست آنکه امید داریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد و کجاست آنکه برای تجدید فرایض و سنن ذخیره است

أَيْنَ الْمُتَحَيَّرِ (الْمُتَّخِذِ) لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ

کجاست آنکه برای برگردانیدن ملت و شریعت مقدس اسلام اختیار گردیده کجاست آنکه آرزو مندیم کتاب آسمانی قرآن و حدود آن را احیا سازد



أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أُبْنِيَةِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ

کجاست آنکه دین و ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند کجاست آنکه شوکت ستمکاران را درهم می شکند
کجاست آنکه بنا و سازمانهای شرک و نفاق را ویران می کند

أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الغِيِّ وَالشَّقَاقِ (النَّفَاقِ)

کجاست آنکه اهل فسق و عصیان و ظلم و طغیان را نابود می گرداند کجاست آنکه نهال گمراهی و دشمنی و
عناد را از زمین بر می کند

أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الكِذِبِ (الْكَذِبِ) وَالْإِفْتِرَاءِ

کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می سازد کجاست آنکه حبل و دسیسه های دروغ
و افتراء را از ریشه قطع خواهد کرد

أَيْنَ مُبِيدِ العِتَاةِ وَالْمُرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ العِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعْزِ الأَوْلِيَاءِ وَمَذِلُّ الأَعْدَاءِ

کجاست آنکه متکبران سرکش عالم را هلاک و نابود می گرداند کجاست آنکه مردم ملحد معاند با حق را و
گمراه کننده خلق را ریشه کن خواهد کرد کجاست آنکه دوستان خدا را عزیز و دشمنان خدا را ذلیل خواهد کرد

أَيْنَ جَامِعِ الكَلِمَةِ (الكَلِمِ) عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابِ اللّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى

کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمه تقوی و دین مجتمع می سازد کجاست باب الهی که از آن درگاه وارد
میشوند



أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

کجاست آن وجه الهی که دوستان خدا بسوی او روی آورند کجاست آن وسیله حق که بین آسمان و زمین پیوسته است

أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا

کجاست صاحب روز فتح و برافرازنده پرچم هدایت در جهانیان کجاست آنکه پریشانیهای خلق را اصلاح و دلها را خشنود می سازد

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبِ (الْمُطَالِبِ) بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ

کجاست آنکه از ظلم و ستم امت بر پیغمبران و اولاد پیغمبران دادخواهی می کند کجاست آنکه از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید

أَيْنَ الْمُنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى

کجاست آنکه خدا بر متعدیان و مفتریان و ستمکارانش او را مظفر و منصور می گرداند

أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ (الْخَلَائِفِ) ذُو الْبُرِّ وَالتَّقْوَى

کجاست آنکه دعای خلق پریشان و مضطر را اجابت می کند کجاست امام قائم و صدر نشین عالم دارای نیکوکاری و تقوی



أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنِ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى

كجاست فرزند پیغمبر محمد مصطفی (ص) و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه بلند مقام و فرزند فاطمه زهرا
بزرگترین زنان عالم

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحَمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ

پدر و مادرم فدای تو و جانم نگهدار و حامی ذات پاک تو باد ای فرزند بزرگان مقربان خدا ای فرزند اصیل و
شریف و بزرگوارترین اهل عالم

يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ (الْمُهْتَدِينَ) يَا ابْنَ الْحَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَجْبِينَ

ای فرزند هادیان هدایت یافته ای فرزند بهترین مردان مهذب ای فرزندمهران شرافتمندان خلق

يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ (الْمُسْتَظْهَرِينَ) يَا ابْنَ الْخُضَارِمَةِ الْمُتَّجِبِينَ يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ (الْأَكْبَرِينَ)

ای فرزند نیکوترین پاکان عالم ای فرزند جوانمردان برگزیدگان ای فرزند مهتر گرامی تران

يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّقِيْبَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ

ای فرزند تابان ماهها و فروزان چراغها و درخشان ستارگان



يَا ابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّامِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ

ای فرزند راههای روشن خدا ای فرزند نشانهای آشکار حق ای فرزند علوم کامل الهی ای فرزند سنن و قوانین معروف آسمانی

يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ (الْمَشْهُورَةِ)

ای فرزند معالم و آثار ایمان که مذکور است ای فرزند معجزات محقق و موجود ای فرزند راهنمایان محقق و مشهود خلق

يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ

ای فرزند صراط مستقیم خدا ای فرزند نبأ عظیم ای فرزند کسی که در ام الكتاب نزد خدا علی و حکیم است

يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ

ای فرزند آیات مبینات ای فرزند ادله روشن حق ای فرزند برهانهای واضح و آشکار خدا

يَا ابْنَ الْحُجِّ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ

ای فرزند حجتهای بالغه الهی ای فرزند نعمتهای عام الهی ای فرزند طه و محکمت قرآن و یاسین و ذاریات



يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ دُنُوًّا وَاقْتَرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ
الْأَعْلَىٰ

ای فرزند سوره طور و عادیات ای فرزند مقام ختمی مرتبت (ص) که نسبت به حضرت علی اعلاى الهی مقربترین
مقام است

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَىٰ بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُثَقِّلُكَ أَوْ ثَرَىٰ أَبْرَضُوى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي
طَوَىٰ

کاش می دانستم که کجا دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت آیا به کدام سرزمین اقامت داری آیا به زمین
رضوا یا غیر آن یا به دیار ذو طوی متمکن گردیده‌ای

عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُ (أَسْمَعُ) لَكَ حَسِيسًا وَلَا نُجُوى

بسیار سخت است بر من که خلق را همه ببینم و تو را نبینم و هیچ از تو صدایی حتی آهسته هم به گوش من
نرسد

عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي (لَا تُحِيطُ بِى دُونَكَ) الْبُلُوى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكُوى

بسیار سخت است بر من بواسطه فراق تو نزدیک من رنج و بلوی احاطه کند و ناله زار من به حضرتت نرسد - و
شکوه به تو نتوانم



بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنْهَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَازَحٍ (يَنْزُحُ) عَنَّا

به جانم قسم که تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی به جانم قسم که تو آن شخص جدا از مایی که ابدًا جدا نیستی

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَ احْتِنَانًا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى

به جانم قسم که تو همان آرزوی قلبی و مشتاق الیه مرد و زن اهل ایمانی که هر دلی از یادت ناله شوق می‌زند به جانم قسم که تو از سرشت عزتی که بر شما هیچکس برتری نخواهد یافت

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى (يُحَاذَى) بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهَى

و رکن اصیل مجد و شرافت هستی که هیچکس همانند شما نخواهد گردید به جانم قسم که تو از آن نعمتهای خاص خدایی که مثل و مانند نخواهد داشت

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نُصَيْفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى إِلَى مَتَى أَحَارُ (أَجَارُ) فِيكَ يَا مَوْلَايَ

به جانم قسم که تو از آن خاندان عدالت و شرفی که احدی برابری با شما نتواند کرد ای مولای من تا کی در شما حیران و سرگردان باشم

وَإِلَى مَتَى وَآيٍ خِطَابٍ أَصْفُ فِيكَ وَآيٍ نُجْوَى عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَ (أَوْ) أَنَاغِي

تا به کی و به چگونه خطابی درباره تو توصیف کنم و چگونه راز دل گویم ای مولای من بر من بسی سخت است و مشکل که پاسخ از غیر تو یابم



عَزِيزُ عَلَيَّ اَنْ اُبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى عَزِيزُ عَلَيَّ اَنْ يُجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى

سخت و مشکل است بر من که بگریم از تو و خلق تو را واگذارند سخت و مشکل است بر من که بر تو دون دیگری این جریان پیش آمد

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا

آیا کسی هست که مرا یاری کند تا بسی ناله فراق و فریاد و فغان طولانی از دل برکشم کسی هست که جزع و زاری کند

هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَسَاعَدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى

آیا چشمی می‌گرید تا چشم من هم با او مساعدت کند و زار زار بگرید ای پسر پیغمبر آیا بسوی تو راه ملاقاتی هست

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَئِذٍ بِعَدِّهِ (بَعْدِهِ) فَخَطِي مَتَى نَرِدُ مِنْهَا هَلْكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرُوِي

آیا امروز به فردایی می‌رسد که به دیدار جمالت محظوظ شویم آیا کی شود که بر جویبارهای رحمت درآییم و سیراب شویم

مَتَى نَلْتَقِعُ مِنْ عَذَابِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّ عَيْنَانَا (فَتَقَرَّ عَيْنُونَا)

کی شود که از چشمه آب زلال تو ما بهره‌مند شویم که عطش ما طولانی گشت کی شود که ما با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما به جمالت روشن شود



مَتَى تَرَانَا (وَ) نَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرَى

کی شود که تو ما را و ما تو را ببینیم هنگامی که پرچم نصرت و فیروزی در عالم برافراشته‌ای

أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتِ تَوُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا

آیا خواهی دید که ما به گرد تو حلقه زده و تو با سپاه تمام روی زمین را پر از عدل و داد کرده باشی

وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَأَبْرَتِ الْعَتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ

و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی و سرکشان و کافران و منکران خدا را نابود گردانی

وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَنَنْتِ أَسْوَالَ الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ریشه متکبران عالم و ستمکاران جهان را از بیخ برکنی و ما با خاطر شاد به الحمد لله رب العالمین لب
برگشاییم

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلُوى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدُوى وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ
الدُّنْيَا (الأولى)

ای خدا تو برطرف کننده غم و اندوه دل‌هایی من از تو داد دل می‌خواهم که تویی دادخواه و تو خدای دنیا و
آخرتی



فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَىٰ وَأَرِهَ سَيِّئَ يَأْشِدِ الْقَوَىٰ

باری به داد ما برس ای فریادرس فریادخواهان بندگان ضعیف بلا و ستم رسیده را دریاب و سید او را برای او ظاهر گردان ای خدای بسیار مقتدر و توانا

وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَىٰ وَالْجُؤَىٰ وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَىٰ وَالْمُنْتَهَىٰ

لطف کن و ما را بظهورش از غم و اندوه و سوز دل برهان و حرارت قلب ما را فرو نشان ای خدایی که بر عرش استقرار ازلی داری و رجوع همه عالم بسوی توست و منتهی بحضرت توست

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عُبَيْدُكَ التَّائِقُونَ (الشَّائِقُونَ) إِلَىٰ وَبِكَ الْمَذَكْرِيكَ

ای خدا ما بندگان حقیرت مشتاق ظهور ولی توایم که او یادآور تو

وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا

و رسول توست تو او را آفریده‌ای برای عصمت و نگاهداری و پناه دین و ایمان ما و او را برانگیخته‌ای تا قوام و حافظ و پناه خلق باشد و او را برای اهل ایمان از ما بندگان پیشوا قرار دادی

فَبَلِّغْهُ مِنَّا حَيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

پس تو از ما بآن حضرت سلام و تحیت برسان و بدین واسطه مزید کرامت ما گردان و مقام آن حضرت را مقام و منزل شیعیان قرار ده



وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ (جَنَّاتِكَ) وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ

و بواسطه پیشوایی او بر ما نعمت را تمام گردان تا آن بزرگوار به هدایتش ما را در بهشتهای تو داخل سازد و با شهیدان راه تو و دوستان خاص تو رفیق گرداند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ (وَ) رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ

ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و باز هم درود فرست بر محمد جد امام زمان که رسول تو و سید و بزرگترین پیغمبران است

وَعَلَى (عَلِيٍّ) أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ الصَّديْقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ

و بر علی جد دیگرش که سید سلحشور حمله‌ور در راه جهاد توست و بر جده او صدیقه کبری فاطمه دختر حضرت محمد (ص)

وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبُرَّةَ وَعَلَيْهِ

و بر آنان که تو برگزیدی از پدران نیکوکار او بر همه آنان و بر او

أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

بهتر و کاملتر و پیوسته و دائمی و بیشتر و وافرترین درود و رحمتی فرست که بر احدی از برگزیدگان و نیکان خلقت چنین رحمتی کامل عطا کردی



وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا

و باز رحمت و درود فرست بر او رحمتی که شمارش بی حد و انبساطش بی انتها باشد و زمانش بی پایان باشد

اللَّهُمَّ وَأَقِمَّ بِهِ الْحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَدِلَّ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَذِلَّ بِهِ أَعْدَاءَكَ

ای خدا و بواسطه وجود آن حضرت دین حق را پاینده دار و اهل باطل را محو و نابود ساز و دوستانت را با آن حضرت هدایت فرما و دشمنانت را بواسطه او ذلیل و خوار گردان

وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَيَّ مُرَافَقَةَ سَلَفِهِ

و ای خدای منان ما و او را پیوند و اتصالی کامل ده که منتهی شود به رفاقت ما با پدران

وَأَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِمُحْزَمَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ

و ما را از آن کسان قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگواران زده است و در سایه آنان زیست می کند

وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَآمْنِ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ

و ما را بر اداء حقوق آن حضرتش و جهد و کوشش در طاعتش و دوری از عصیانش یاری فرما و بر ما به رضا و خشنودی آن حضرت منت گذار



وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ

و رأفت و مهربانی و دعاء خیر و برکت وجود مقدسش را به ما موهبت فرما تا بدین واسطه ما به رحمت واسعه و فوز سعادت نزد تو نایل شویم

وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً

و بواسطه آن حضرت نماز ما را مقبول و گناهان ما را آمرزیده و دعای ما را مستجاب ساز

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً

و روزیهای ما را بواسطه او وسیع و هم و غم ما را برطرف و حاجتهای ما را برآورده گردان

وَاقْبَلِ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ

و بر ما به وجه کریم اقبال و توجه فرما و تقرب و توسل ما را بسوی خود بپذیر

وَانْظُرْ إِلَيْنَا بِنَظْرَةِ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ

و بر ما به رحمت و لطف نظر فرما تا ما بدان نظر لطف کرامت نزد تو را به حد کمال رسانیم



ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيِّدِينَ

آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما به کرمت باز مگیر و ما را از حوض کوثر جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله به کاسه او و به دست او سیراب کن

رِيَّارٍ وَيَا هِنِيئًا سَائِنًا غَالًا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سیرابی کامل گوارایی خوش که بعد از آن سیراب شدن دیگر تشنه نشویم ای مهربانترین مهربانان عالم.

پس نماز زیارت بجا می آوری بنحوی که گذشت و دعا می کنی به آنچه خواهی که به اجابت خواهد

رسید إن شاء الله